

ماه رمضان
در خاطرات
بی‌بی‌حلیمه



دختران بزهکار

به مانند جزیره‌های سرگردان

هر نوع تلاشی برای پیش‌گیری از بزهکاری باید با توجه به این نکته باشد که انتظارات و فشارهای اجتماعی چه‌گونه رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد...



۵۱

شهربانو

۴ صفحه ویژه بانوان مشهد
۲۶ آوریل ۲۰۲۱ | ۱۳ رمضان ۱۴۴۲
شماره ۳۳۷۰ روزنامه شهرار
۲شنبه



۲ وارد گزارش‌های شیک می‌شویم تا ببینیم چه قدر حقیقت دارد

یکی از برنامه‌های اساسی مجتمع شناسایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی «شوق زندگی» رصد سازمان‌هایی است که ملزم به حمایت از زنان و کودکان آسیب‌دیده هستند. قاضی عابدین‌زاده، معاون دادستان مشهد، با تأکید بر بررسی ایلغیه‌ار دیه‌هشت ۹۹ گفت...

روی دیوارهای این دادگاه نقاشی بکشید

خرده روایتی از حضور در مجتمع شناسایی و کاهش آسیب‌های «شوق زندگی» در مشهد

۲



عکس: نسیم گل‌آشورآرا

(صدف)

عفت رضوی
روزنامه‌نگار



کاری که کرونا با بازاربایی اینترنتی کرد

ایزاری که برای فروش محصولات خود از آن بهره می‌برند صفحه، گروه یا یک کارهایش در خانه خدمتکار داشت. مهمانی‌هایی برگزار می‌کرد که بیا و ببین. فامیل می‌آمدند و هر چه دلشان می‌خواست بریز و بپاش می‌کردند. اما الان ورق برگشته است. نه از آن همه مهمانی خبری هست، نه از خدمتکار. این ماجرا را می‌شود به حساب تورم و گرانی گذاشت اما بیشتر دوست دارم به تغییر سبک زندگی و تفکر ربطش دهم. حالا دیگر چند سالی می‌شود که او به دنبال آینده‌ای متفاوت رفته و برای خود کسب و کاری دست و پا کرده است. اوایل غصه می‌خوردم. با خودم می‌گفتم چرا باید گرانی و هزینه‌های زندگی به کسی مثل او که روزی برای خودش بر ویبایی داشت آن قدر فشار بیاورد که مجبور شود برای تأمین مایحتاج زندگی کار کند، ولی حالا که دوسه سالی از آن زمان می‌گذرد، می‌بینم چه قدر تغییر کرده، به زندگی امیدوارتر است و چه قدر تلاش می‌کند. از همه مهم‌تر، چه ارتباطات خوبی پیدا کرده است و به این جمله پدر بزرگ مادری‌ام بیش از قبل ایمان می‌آورم که همیشه می‌گفت: آدمیزاد به کار زنده است.

شاید بتوان گفت تغییر سبک زندگی و تفکر به زنان خانه‌دار هم این مسئله را گوشزد می‌کند که در کنار کار در خانه، می‌توان کار و فعالیت‌های درآمدزا داشت که ضمن تقویت حس استقلال مالی، بتوانند از پس هزینه‌های زندگی کنونی نیز بر بیایند. یک تحقیق ساده نشان می‌دهد، زنان خانه‌دار با سرعت فوق‌العاده‌ای به سبک خرید و فروش اینترنتی و به صورت کلی، خرید به روش بازاربایی الکترونیک یا همان دیجیتالی مارکت روی آورده‌اند. هم‌اکنون کمتر خانواده یا گروه فامیلی را می‌شناسیم که زنان خانه‌دار آن‌ها به کاری غیر از خانه‌داری مشغول نباشند. آن‌ها بیشتر در بحث هنر و تولیدات خانگی توانمند هستند و کمترین

جایی برای تغییر زندگی زنان آسیب‌دیده



یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست این است که می‌توان تعاریف و مصادیق خود راه داد این است که تصمیم‌گیری در حوزه سیاسی به گونه‌ای مستقیم نه تنها خط‌مشی‌های کلی بلکه حتی موارد جزئی و خرد زندگی را دچار تغییر و تحول می‌کند. این مسئله درباره حوزه زنان نموده‌های عینی زیادی دارد و آن سیاست‌مداران به مشکلات، نیازها و برنامه‌های لازم برای نیی از جمعیت جامعه است. لزوم توجه به حوزه زنان، امروز امری پذیرفته شده است، اما گاهی با وجود اقدامات و دستورالعمل‌های مثبت و مؤثر توسط نهادها و دستگاه‌های دیگر نقش و نسخ می‌شود.

می‌توان به جبران بخشی از این آسیب‌ها پرداخت. این گونه مراکز می‌تواند با توفی باشد برای شکل‌گیری ایده‌های نو برای زنان و جلوگیری از تکرار طرح‌های از پیش تعیین‌شده که ممکن است برای شرایط روز غیر قابل استفاده باشد. نکته مهم این است که هر تغییر و تحولی در عرصه سیاست و سیاست‌گذاری، زندگی شهروندان را به شدت از خود متأثر می‌سازد. هر قدمی که برداشته می‌شود و هر تصمیمی که گرفته می‌شود می‌تواند زندگی تعداد زیادی از آسیب‌دیدگان اجتماعی را بهتر یا بدتر کند. کسانی که در معرض ناملایمات زندگی اجتماعی و دشواری‌های فراوان سر خم کرده‌اند و تاب‌آوری آن‌ها در مواجهه با سختی‌ها و مصائب اندک است، به حمایت‌های بیشتری نیاز دارند. ایجاد مؤسسه و نهادی که بتواند از یک طرف چهارراه ملاقات همه دستگاه‌های اثرگذار با یکدیگر و اتخاذ یک تصمیم مشترک باشد و از طرف دیگر فضایی متفاوت برای کاستن از دردهای آسیب‌دیدگان فراهم آورد، رویداد شگفت‌انگیز و درخور تقدیری است که نباید بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. با چنین چشم‌اندازی، می‌توان حضور سمن‌های اجتماعی و گروه‌های حمایتگر را بر محور یک انگیزه چرخاند داشت که فاصله میان تصمیم‌گیری و اجرای آن را به کمترین حد ممکن می‌رساند. اکنون که در معرض تغییرات سریع اجتماعی هستیم و چرخ زمانه دشوارتر از گذشته می‌گردد و قطعاً با کمک رسانه‌ها و ارتباطات نوین شاهد تغییرات در عرصه رفع مشکلات خانواده هستیم، بد نیست با آغوش و واضح است که در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان از حذف آسیب‌های اجتماعی به طور کامل و قطعی سخن گفت اما با ایجاد نهادها، مؤسسه‌ها و مجتمع‌های متفاوتی

تأسیس و ایجاد مراکز با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی، دقیقاً با در نظر گرفتن چنین هدفی صورت گرفته است. این مراکز را می‌توان محل تلاقی همه دستگاه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در حوزه اجتماعی دانست که برای کاستن از آسیب‌های اجتماعی با یکدیگر همکاری می‌کنند. بزرگ‌ترین آسیب درباره زنان در برنامه‌های دولتی، موازی‌کاری‌ها و ارائه آمارهایی است که نمی‌توان به استناد آن صرفاً عملکرد عمیقی داشت. توجه به این نکته ضرورت دارد که علت به‌وجود آمدن مضلّات و آسیب‌های اجتماعی از جمله فقر، اعتیاد، فحشا، کودکان کار، مشکلات مربوط به خانواده‌های بدسرپرست و موارد دیگر را می‌توان در حوزه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جست‌وجو کرد. اما علت هر چه باشد، برای رفع آن نمی‌توان تنها به یک حوزه امید بست، بلکه همکاری و هماهنگی نهادهای قضایی، تصمیمات سیاسی، دستگاه‌های اجرایی و اداره کنندگان شهری را طلب می‌کند.

واقعیت این است که زنان و کودکان مهم‌ترین قربانیان آسیب‌های اجتماعی هستند. در نتیجه، هرگونه اتفاق نظر و اجماع برای حل مشکلات اجتماعی می‌تواند گام مثبتی در این حوزه به شمار رود. رخدادهای غم‌افزایی همچون طلاق و اعتیاد، خواسته و ناخواسته پای کودکان را به مکان‌هایی همچون دادگاه، نهاد‌های انتظامی، قضایی و بهزیستی باز می‌کند. حضور در چنین فضاهایی که بنابر ماهیتشان دارای تنش و اضطرابی مداوم هستند، می‌تواند تجربه‌ای تلخ و آزاردهنده باشد. مسلم و واضح است که در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان از حذف آسیب‌های اجتماعی به طور کامل و قطعی سخن گفت اما با ایجاد نهادها، مؤسسه‌ها و مجتمع‌های متفاوتی

(دکتر محبت محبی)
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی



زیستن در جهان روایت

ما در جهان روایت‌ها زندگی می‌کنیم، آن گونه که فردریک جیمسون روایت را کارکرد اصلی ذهن انسان می‌داند. به عبارتی، درک جهان عمدتاً در قالب روایت اتفاق می‌افتد. روایت نه تنها در هنر که در هر لحظه زندگی ما جریان دارد. امروزه بیش از هر مقطع تاریخی دیگر، انسان درگیر روایت است. ذهن انسان از صبح تا شام روایت‌ها را از منابع متعدد دریافت و پردازش می‌کند، پردازشی که می‌تواند به خستگی تصمیم منجر شود و این گونه است که در پایان روزی که ممکن است حجم فعالیت فیزیکی مان هم محدود باشد، علاوه بر تعداد روایت‌هایی که از امور عادی زندگی تا مرور وقایع روزمره را در بر می‌گیرد، گونه‌های روایت از کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن نیز بر پیچیدگی‌های ذهن می‌افزایند. نکته پیچیده‌تر روایت‌های اعتمادناپذیری است که باید در برابر آن‌ها موضع خود را مشخص کنیم. این روایت‌های اعتمادناپذیر می‌توانند سطوح سه‌گانه کشمکش شامل کشمکش‌های درونی، فردی و فرافردی را ایجاد کنند. به این ترتیب، ما همراه با هسته تقلیل‌ناپذیر خویشستن، خانواده و دوستان صمیمی و البته جامعه، در هر لحظه گویا در حال تماشای راشومون از کوروسوا هستیم. ما باید اخبار را تجزیه و تحلیل کنیم و راوی معتبر از نامعتبر را تشخیص دهیم، حتی اگر این راوی خود یا دوست صمیمی مان باشد! ابعد اجتماعی و کلان‌چنین روایت‌هایی قطعاً چالش‌برانگیز خواهد بود و آسیب روحی زیادی به مخاطب که هر یک از ما هستیم وارد می‌کند. به

پیوند عاطفی را در خانواده جدی بگیرید

دختران بزهکار به مانند جزیره‌های سرگردان

عکس: ژانلی است

اجتماعی را می‌بینند و به یک تکیه‌گاه و پایگاه قوی عاطفی نیاز دارند که در برابر حجم وسیع تغییرات و انتظارات بتوانند در سایه همراهی آن پایگاه قوی آرامش بگیرند و احساس تعلق داشته باشند.

✚ خانواده از جایگاه سنتی فاصله گرفته است

یک تصور عمومی در جامعه موجود است که خانواده آسیب‌زا را صرفاً خانواده‌هایی از طبقات پایین یا درگیر فقر مالی قلمداد می‌کند در حالی که خانواده آسیب‌زا می‌تواند در هر طبقه اجتماعی وجود داشته باشد. والدین تحصیل کرده یا مرفه اقتصادی که نتوانند با فرزند خود ارتباط مناسب عاطفی برقرار کنند و خانواده را به مکانی امن و آرامش بخش برای احساس تعلق اعضای خانواده نیز تبدیل کنند جزو خانواده‌های آسیب‌زاتلقی می‌شوند. در زندگی اکنون افزایش مخاطرات اجتماعی والدین را برای آموزش همه‌جانبه فرزندان ناکارآمد می‌سازد. خانواده در دوره کنونی ساز و کار اصلی اش ایجاد یک پایگاه عاطفی برای افراد خانواده است، جایی که در هیاهوی تغییرات و گسستن‌های مکرر اجتماعی، نیاز احساس تعلق و ارزشمندی فرزندان را برطرف کند. مادران به عنوان محور خانواده، مسئولیت بیشتری در این زمینه دارند. ریشه‌های هویتی دختران و پسران آنان را با برطرف کردن نیاز به احساس تعلق و ارزشمندی قوی کنید تا اعتماد متقابل شکل بگیرد و این جزیره‌های سرگردان در بحران‌های متعدد اجتماعی بتوانند در مواقع لزوم به شما پناهنده شوند، نه به فرار از خانه و مصرف مواد مخدر.

هویت شکل یافته‌تر چگونه ایجاد شده است و تحت چه شرایطی دختران دچار تزلزل هویت می‌شوند؟ جدا از دخترانی که در خانواده‌های معتاد به مواد مخدر به دنیا می‌آیند و بستر خانواده کاملاً آماده سوق دادن آنان به سوی اعتیاد است، بسیاری از دخترانی که به انواع مواد مخدر صنعتی وابسته شده‌اند یا ایده فرار از خانه را عملیاتی کرده‌اند، جدا از آنکه به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند، همه در یک تنهایی و سرگردانی، مشترک هستند. سرعت‌شاینده تغییرات اجتماعی و دسترسی آسان و سریع به شبکه‌های اجتماعی گوناگون آنان را در خود غرق کرده است. این دختران از یک سو قربانی بستر زمانی هستند که در آن زندگی می‌کنند، یعنی عصر ارتباطات، و از سوی دیگر قربانی والدین ناکارآمد هستند. پدران و مادران و بیشتر هم‌مادرانی که نتوانسته‌اند با آنان پیوند عاطفی مناسبی برقرار کنند و در مسیر پرورش آنان غفلت ورزیده‌اند. هویت این دختران به خوبی شکل نگرفته است. آنان متزلزل هستند و توانمندی زیستن در دنیای مدام به‌روزشونده را در خانواده و مدرسه کسب نکرده‌اند. هوش ذهنی آنان خوب است اما هوش هیجانی آنان که شامل مهارت‌های اجتماعی کارآمد است ضعیف است. مهارت ارتباط مؤثر و «نه» گفتن را نیاموخته‌اند، شنیده نشده‌اند و خود را در یک تنهایی بی‌انتهای آنها دیده‌اند. مواد مخدر و فرار از خانه ابزارهایی هستند که آن‌ها می‌خواهند با استفاده از آن خود را به جامعه ثابت کنند. ساختن زندگی بهتر با ابزار اشتباه ممکن نیست. این زندگی با بختگان جامعه جدا از اینکه زندگی در فقر را تجربه کرده‌اند یا زندگی در رفاه، نتوانسته‌اند در خانواده خود احساس ارزشمندی کنند. این فرزندان در مقابل خود، دنیایی از انتظارات

هر نوع تلاشی برای پیش‌گیری از بزهکاری باید با توجه به این نکته باشد که انتظارات و فشارهای اجتماعی چه‌گونه رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌های میدانی در گستره آسیب‌های اجتماعی ما را به سمت فرار دختران سوق می‌دهد، مسئله‌ای که به اندازه‌ای جدی است که به‌هیچ‌وجه نباید از آن ساده گذشت. فرار از خانه اگرچه جرمی محسوب نمی‌شود که مجازات قانونی برای آن اعمال شود، در صورت بازگشت به خانه، غالباً مجازات عرفی و درون خانوادگی را به دنبال دارد؛ از طرد شدن از سوی خانواده گرفته تا تنبیه‌های سنگین نظیر قتل، بازنگشتن به خانه نیز آسیب‌هایی اجتماعی برای فرد فراری و سلامت عمومی جامعه دارد؛ از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، تعرض، ورود به کارهای غیرقانونی برای امرار معاش و تأمین بقای خود. اما چه‌گونه و تحت چه شرایطی دختران حاضر می‌شوند کانون خانواده را رها کنند و به دنیای پرخطرهای پناه ببرند که آسیب‌هایی متعددی به همراه دارد؟



دکتر مهتاب علی نیاذ
جاسعه‌شناس

✚ دختران با امید کدام سراب خانه را رها می‌کنند؟

سودای مهاجرت و پول؟ رها شدن از خانواده آسیب‌زا؟ متولد شدن در خانواده بدسرپرست یا بدون سرپرست؟ رؤیای ره صدساله را یک شبه طی کردن؟ صدها علت بی‌شمار هست که دختران ممکن است به هرکدام از آن‌ها استناد کنند و خانه را رها کنند و وارد دنیای نابسامان دختران فراری شوند یا به مصرف مواد مخدر وابسته شوند. با وجود دلایل متفاوت، یک ریشه مشترک در عمق دلایل مختلف وجود دارد. وجود این ریشه مشترک سبب شده است هریک از دختران با توجه به شرایط خانوادگی خود و محیطی که در آن زندگی می‌کند، یکی از آن صدها دلیل را منطقی قلمداد کند و یک روز با یک کوله، از هراس ناپیدا و ناتمام و رؤیاهای بلند، به امید ساختن زندگی‌ای با کیفیت بهتر، به استناد همان دلیل منطقی، برای همیشه خانه پدری را پشت سر بگذارد. بسا دخترانی که از پیامدهای فرار از خانه یا مصرف مواد مخدر

آشنا باشند اما با کاوش در واقعیت زندگی خود، آن را امری دلخواه به شمار آورند و به امید اینکه پیامدی شوم برای آنان رخ نخواهد داد، پای در راه می‌گذارند.

✚ هویت شکل گرفته چه‌گونه ایجاد می‌شود

آن استیصال عمیق و عجیب چه‌گونه در ذهن یک دختر نوجوان شکل می‌گیرد که او را با وجود دانستن عواقب شوم، به امید روزنه کوچکی برای سرنوشت متفاوت سوق می‌دهد؟ بستر روانی خانواده، احساس تنهایی، برآورده نشدن انتظارات فردی در تعامل با خانواده و ناموفق بودن در برآوردن انتظارات اجتماعی از خود. بیشتر دختران نوجوان و جوانی که هویت شکل یافته‌تر و مشخص‌تری دارند عموماً پیش از سایر هم‌سالان خود می‌دانند چه‌گونه می‌توانند در برابر انتظارات اجتماعی و فشارهای روانی ناشی از آن تاب بیاورند و بهترین عملکرد در سطح امکانات و شرایط خود را داشته باشند. اما آیا تاکنون اندیشیده‌اید که

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



فن عشق‌ورزی را به‌درستی بیاموزند.

آلبادسس پدس در رم ایتالیا زاده شد. پدربزرگش نخستین رئیس جمهور کوبا، پدرش سفیر کوبا و مادرش ایتالیایی بود. خود وی پس از ازدواج با یک سرهنگ ایتالیایی به تابعیت ایتالیا درآمد و سال‌های زیادی در ایتالیا زیست. او کارش را به عنوان روزنامه‌نگار در دهه ۱۹۳۰ آغاز کرد. در ۱۹۳۵ نخستین رمان خود را نوشت. در این سال برای فعالیت‌های ضدفاشیستی در ایتالیا زندانی شد و ۲ سال زندان، هیچ کس به گذشته بر نمی‌گردد» (۱۹۳۸) و «فرار» (۱۹۴۰). در دستگاه سانسور فاشیست‌ها توقیف شد. رمان مشهور او، «دفترچه ممنوع»، قبل‌تر در همین سستون معرفی شده است. میحث اصلی داستان‌های آلبادسس پدس زن‌ها و مشکلات آن‌هاست.

رمان‌های او در حقیقت نماینده زنان قرن بیستم ایتالیا است، سال‌های جنگ جهانی دوم و چندین سال پس از پایان جنگ، که تقابل پیدا و پنهان فضای ناهماهنگ زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی و چالش زنان با محیط اطرافشان را نشان می‌دهد. رمان «از طرف او» در سال ۱۹۴۹ منتشر شد و همان‌طور که گفته شد، داستان دختری به نام آلساندرا را روایت می‌کند که در جست‌وجوی عشق تمام عمر سرگردان است و در پی کشف عشق که آن را وسیله‌ای برای رضایت خود در زندگی می‌داند، در برخی به سر می‌برد که قبل از او مادرش نیز آن را تجربه کرده بود.

رمان این زن را در موقعیتی مشابه قرار می‌دهد،

موقعیتی حاکمی از بی‌اعتنایی مرد به زن، و بی‌توجهی او به حقوق انسانی زن، و نبودن رابطه میان آن‌ها. مادر نه می‌تواند بماند، نه می‌تواند برود. در میانه کتاب، او با خودکشی به این رابطه پایان می‌بخشد اما دختر از طرف او و از طرف همه زنانی که چنین زندگی‌ای را تجربه می‌کنند تصمیم دیگری می‌گیرد.



از طرف او

• نویسنده: ۱۹۴۴

(۴)

شهرزاد

شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآر
صاحب‌امتیاز
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



ایران عضو کمیسیون مقام زن سازمان ملل شد

ایران با کسب ۴۳ رأی از ۵۴ رأی کشورهای عضو اکوسوک، به مدت ۴ سال به عضویت کمیسیون مقام زن سازمان ملل درآمد. در نشست نهادهای فرعی شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) که به صورت حضوری در نیویورک برگزار شد، در گروه آسیا-اقیانوسیه، ایران نامزد عضویت در نهاد کمیسیون مبارزه با مواد مخدر از سال ۲۰۲۲ تا سال ۲۰۲۵ و کمیسیون مقام زن از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ بود. هم‌چنین در انتخابات کمیسیون مبارزه با مواد مخدر، کشورمان با کسب ۳۷ رأی به مدت ۳ سال به عضویت این کمیسیون درآمد.

ایراندخت

ماه رمضان
در خاطرات
بی‌بی‌حلیمه



غلامرضا آذری‌خاکستر
پژوهشگر تاریخ



✚ بخش مهمی از حافظه افراد به خاطرات گذشته اختصاص دارد زیرا تغییرات تدریجی در جامعه اعم از تحولات شهری یا فرهنگ و آداب و رسوم را می‌توان لایه‌لای پادمان کهن سالان جست‌وجو و به پژوهش‌ها استناد کرد. در سال‌های گذشته، خاطرات زنان مورد توجه واقع شده است و خاطره‌نگاران در برابر این مقوله بی‌تفاوت نبودند زیرا زنان در بیان خاطرات، ضمن توجه به جزئیات، مطالب درخور تأملی ارائه می‌دهند.

مرحومه بی‌بی‌حلیمه مؤمنیان شاندیز متولد ۱۳۱۰ در احمدآباد از توابع گل‌مکان مشهد است. وی از سادات حسینی و پدرش سید روح‌الأمین مؤمنیان شاندیز و مادرش بی‌بی‌آقای خادم نامیده می‌شد. جلال قیامی میرحسینی وقتی مادرش ۶۵ سال سن داشته به سراغش رفته و طی هفت جلسه گفت‌وگو خاطراتش را ضبط و پس از درگذشت مادرش در سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است.

بخش اعظم خاطرات به تاریخ خانوادگی و اتفاقات روستای احمدآباد اختصاص دارد، به‌ویژه درگیری بین سادات و عام‌ها چون در آنجا چهار قبیله سید و یک قبیله عام با هم اختلاف داشتند.

بنا به گفته بی‌بی‌حلیمه، احمد آباد درخت چناری دارد. مردم نذر بیمار می‌کنند و شفا هم می‌دهد. برای اینکه دخترشان عروس یا پسرشان داماد و مسافرشان به سلامت برگردد، به شاخه‌هایش لته می‌بندند. پایش کوسفند قربانی می‌کنند و آش رشته می‌دهند.

هم‌چنین در قدیم رسم نبود زن‌ها در مراسم دفن، سر خاک برهند. هنگامی که میت را دفن می‌کنند، ۳ شبانه‌روز چادری برپا می‌کنند و در آن، یکی از فقیران روستا که ملا باشد و بتواند قرآن بخواند، به قرائت آن مشغول می‌شود. آن وقت، از خانه برایش غذا و چای می‌برند. در آن جا هفت‌م را غذا نمی‌دهند بلکه در سوم این کار می‌کنند، یعنی به زن‌ها و مردها آب‌گوشت یا پلو می‌دهند. عصر آن روز هم در مراسمی خاص، چادر را جمع می‌کنند و به مسجد می‌برند. کسانی که تعزیتی باشند، تا ۴۰ روز رخت نمی‌شویند، حمام نمی‌روند، اصلاح نمی‌کنند، حنا نمی‌مالند و جارو نمی‌زنند!

بخشی از خاطرات بی‌بی‌حلیمه به مراسم ماه رمضان اختصاص دارد. در روستای احمدآباد، هنگام سحر، عده‌ای به تین‌های حلبی می‌زدند تا مردم برای سحری خوردن بیدار شوند. آن‌هایی که سواد کمی داشتند، شب‌خوانی می‌کردند مثل برادرهای من که می‌رفتند بالای پشت‌بام و مناجات می‌کردند و از صدای آن‌ها، اهالی اطراف بیدار می‌شدند. در احمدآباد، بچه‌ای که نخستین‌بار روزه می‌گرفت، افطار نمی‌کرد تا اینکه از پدر، مادر و پدربزرگ و مادر بزرگ هدیه‌ای می‌ستاند. بعضی بچه‌ها هم روزه گنجشکی می‌گرفتند. عید فطر را هم جشن می‌گرفتند و تا تابه، نان‌هایی به نام یوخه درست می‌کردند به طوری که شب عید فطر حتماً باید یوخه در سفره می‌بود، به علاوه غذا‌های دیگر. تا اینکه از شهر خبر آمد که ماه را دیده‌اند. آن وقت، در مسجد اذان می‌گفتند و نماز عید برگزار می‌کردند.